

بررسی نقش تعاونی‌های تولید روستایی در توانمندسازی اجتماعی کشاورزان گندم‌کار شهرستان اسلام آباد غرب

وکیل حیدری ساربان^۱، سهیلا باختر^۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش تعاونی‌های تولید روستایی در توانمندسازی اجتماعی کشاورزان گندم‌کار شهرستان اسلام آباد غرب به روش علی مقایسه‌ای انجام شده است که از لحاظ هدف کاربردی و به لحاظ ماهیت توصیفی تحلیلی است. جامعه آماری تحقیق را ۱۱۳۷ کشاورز عضو تعاونی تولید این شهرستان تشکیل می‌دهد که حجم نمونه آن بر اساس فرمول کوکران ۱۷۰ کشاورز عضو و ۱۷۰ کشاورز غیر عضو انتخاب گردید. گردآوری داده‌ها به شیوه پیمایشی و کتابخانه‌ای می‌باشد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون‌های آماری یومان‌ویتنی و کای اسکور استفاده گردید. میزان پایایی پرسشنامه بر اساس آلفای کرونباخ ۰/۹۱ محاسبه گردید و روایی آن نیز بر اساس نظر اساتید دانشگاه محقق اردبیلی بسیار خوب ارزیابی گردید. در نهایت، از بین شاخص‌های ۸ گانه توانمندسازی اجتماعی در این پژوهش و با توجه به تفاوت نتایج بین دو گروه می‌توان گفت بین عضویت در تعاونی تولید و توانمندسازی اجتماعی رابطه معنی‌دار و مثبت وجود دارد و نتایج بیان‌گر این است که عضویت در تعاونی تولید بیش‌ترین تأثیر مثبت را بر مشارکت اجتماعی و کمترین تأثیر را بر شاخص انسجام اجتماعی اعضا داشته است و در نهایت پیشنهادهایی برای بهبود عملکرد تعاونی‌های تولید ارائه گردید.

واژگان کلیدی: تعاونی تولید روستایی، توانمندسازی، توانمندسازی اجتماعی، توسعه اجتماعی،

تاریخ دریافت: ۹۵/۳/۸

تاریخ پذیرش: ۹۵/۵/۳

^۱دانشیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی، دانشگاه محقق اردبیلی (نویسنده مسئول). vheidari56@gmail.com.

^۲کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه محقق اردبیلی soheyla.bakhtar@yahoo.com

مقدمه

در سال‌های اخیر بحث و گفت‌گویی زیادی در مورد شیوه مدیریت توسعه کشاورزی شده که هدف از آنها ارتقای و به کارگیری کارگروهی و فردی است و امروزه اصل توانمندسازی در این راستا قرار دارد که در فرآیند مدیریت در راستای توسعه کشاورزی بایستی بستر جهت مشارکت نیروی کار، مداخله گروهی، استقلال و توسعه کارگروهی به صورت خودمدیریتی فراهم شود چون که مشارکت سازنده در گروه توانمندسازی افراد می‌باشد (حیدری ساربان، ۱۳۹۲: ۱۵۶) و توانمندسازی به معنای افزایش ظرفیت افراد و گروه‌ها برای بوجود آوردن توسعه‌ای موثرتر و انتخاب‌های زندگی و انتقال این انتخاب‌ها به سوی کنش‌های مورد نظر و نتایج تعریف می‌شود (ماجدی و لهسایی زاده، ۱۳۸۹: ۱۱۸) افزون بر این توانمندسازی کشاورزان به عنوان یک رویکرد نوین انگیزش درونی فعالیت کشاورزی در مناطق روستایی، به معنی آزاد کردن نیروهای درونی کشاورزان و همچنین فراهم کردن بسترها و به وجود آوردن فرصت‌ها برای شکوفایی استعدادها، توانایی‌ها و شایستگی‌های آنان می‌باشد (Byham, 2009: 456-45). که در این خصوص بررسی متون توسعه نشان می‌دهد عضویت در تعاونی‌های تولید روستایی موجبات توانمندسازی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... را فراهم می‌سازد. و امروزه توانمندسازی اجتماعی روستایی بدین جهت اهمیت دارد که از آن به منزله راهبردی جدید در توسعه یاد می‌شود و امید بر آن است با به کارگیری موثر آن، توسعه متعادل و پایدار حاصل آید. و توانمندسازی اجتماعی جوامع روستایی، تلاشی برای ارتقای سطح اجتماعی و فرهنگی ساکنان این نواحی است، زیرا از طریق این نوع توانمندسازی، روستاییان از موقعیتی که در آن در تصمیم‌گیری‌ها بی‌تاثیر بوده‌اند، به موقعیتی می‌رسند که در آن به طور فعال در تصمیمات سیاسی نقش دارند و بر خروجی آن تاثیر می‌گذارند.

باید گفت پدیده تعاون یکی از دستاوردهای اندیشه‌های انسانی می‌باشد که با گذشت زمان به وجود آمده است این پدیده امروزه در بسیاری از کشورها از جمله در ایران به عنوان یکی از بخش‌های عمده اقتصادی مورد توجه و تایید قرار گرفته است (گراوند و همکاران، ۱۳۸۹: ۷۱) و تعاونی‌ها به ویژه تعاونی‌های تولیدی در کشور های در حال توسعه بعد از جنگ جهانی دوم با اجرای برنامه‌های نوسازی در پاسخ به برخی نیازها و فشارهای اجتماعی، روانی، اقتصادی و ... با الگوبرداری از کشورهای توسعه یافته و با هدف ایجاد نظامی انسانی‌تر و عادلانه‌تر به وجود

آمدند (قیصری و همکاران، ۱۳۹۱: ۳). و افزون بر این، تعاونی‌های تولیدی زمینه و بستر لازم را جهت افزایش توانمندی اعضای در جامعه، برطرف کردن نیازهای اجتماعی (میکائیلی و جابری، ۱۳۹۲: ۱۲۵)، افزایش توانایی‌ها و مهارت‌های فردی، افکار و رفتار اعضا به منظور بهبود و کارایی آنها مهیا می‌سازد (Akmaliah et al, 2013: 3) علاوه بر این، تعاونی‌های تولید روستایی با ارتقای توسعه انسانی و ایجاد فرصت‌های مناسب برای کشاورزان شرایطی را به وجود می‌آورند تا احساس شایستگی، منزلت، خودتعیینی، معنی‌داری، اعتماد و تأثیرگذاری و آزادی و در یک کلام توانمندسازی را در بین آن‌ها به وجود آورد (حیدری ساربان، ۱۳۹۲: ۱۷۰) تا بسیاری از مسائل پیش‌روی کشاورزان را حل، و دستیابی به توسعه انسانی را در نیل به توسعه کشاورزی آسان - نماید.

بر اساس آخرین آمار تعداد ۱۲۳۰ تعاونی تولید در کشور فعال است که ۵۸۶۸ روستا را تحت پوشش دارد. استان کرمانشاه نیز دارای ۲۵ تعاونی تولید فعال روستایی است (سازمان مرکزی تعاون روستایی، ۱۳۹۲) که از این بین شهرستان اسلام آباد غرب دارای ۲ تعاونی تولید روستایی است که ۱۱ روستا و سطحی حدود ۸۵ هزار هکتار از اراضی را تحت پوشش دارد و شامل ۱۱۳۷ نفر عضو می‌باشد. نظر به اینکه بیش‌تر برنامه‌ها و اهداف در نظر گرفته شده از سوی شرکت‌های تعاونی در سطح شهرستان افزایش توانمندی‌های اجتماعی و اقتصادی و... است و در فرآیند توانمندسازی اجتماعی کشاورزان گندم‌کار، عضویت در تشکل‌های مردمی به ویژه تعاونی‌های تولید روستایی نقش کلیدی ایفا می‌کنند؛ چرا که واکاوی اسناد و مدارک نشان می‌دهد که تعاونی‌های تولید روستایی با گسترش ظرفیت‌های شناختی کشاورزان، متشکل ساختن توانایی انسانی و مادی زارعین، افزایش مشارکت در کار و تولید، بهبود عوامل انگیزشی در محیط کار، بالابردن مهارت‌های ارتباطی، تقویت دسترسی به خدمات اجتماعی، مبادله اطلاعات و دانش، تقویت تعاملات اجتماعی، ارتقای پایگاه اقتصادی و اجتماعی و بهبود توانمندی‌های اقتصادی در نهایت تقویت روابط افقی بر پایه همکاری به توانمندسازی اجتماعی کشاورزان کمک می‌کند. به این خاطر در این تحقیق نقش تعاونی‌های تولیدی در توانمندسازی اجتماعی کشاورزان گندم‌کار شهرستان اسلام آباد غرب مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. هم‌چنین، این مطالعه به دنبال آن است که این سؤال را مورد بررسی و کنکاش قرار دهد: آیا بین عضویت کشاورزان در تعاونی‌های تولید روستایی و توانمندسازی اجتماعی ارتباط معناداری وجود دارد؟ به همین دلیل،

ابتدا مبانی نظری تعاونی‌های تولیدی و توانمندسازی اجتماعی مورد بحث قرار گرفته سپس با ارائه مدل مفهومی ارتباط بین تعاونی‌های تولیدی و توانمندسازی اجتماعی بررسی گردیده است و از آن جایی که در ایران تاکنون مطالعه خاصی در خصوص نقش تعاونی‌های تولیدی در توانمندسازی اجتماعی کشاورزان گندم‌کار صورت نگرفته است. به این خاطر، مقاله حاضر در راستای تبیین رابطه بین عضویت در تعاونی‌های تولیدی و توانمندسازی اجتماعی کشاورزان می‌باشد.

مبانی نظری

اگر چه مفهوم توانمندسازی در اواخر دهه ۱۹۷۰ در مطالعات مدیریت و روان‌شناسی وارد شد (Spreitzer, 1995: 1444) و تا دهه ۱۹۹۰ اندیشمندان آن را به معنای اقدامات و راهبردهای مدیریتی، گسترش ارتباطات و دسترسی به منابع سازمانی می‌دانستند (Zhu et al, 2012: 190) اما بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد که توانمندسازی ریشه در رشته‌های روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و علوم دینی دارد که به گذشته‌های دور باز می‌گردد (پایاب، ۱۳۹۳) نظریات مختلفی توسط پژوهش‌گران مختلف درباره‌ی توانمندسازی اجتماعی ارائه گردیده است، از جمله ریفکین توانمندسازی را فرایند تسلط افراد، سازمان‌ها و گروه‌ها بر کارها و امور خود می‌داند تا کنترل بر منابع، اعتمادسازی، ظرفیت‌سازی و مشارکت فعال را بدست آورند (Eylon and Bamberger, 2000: 371) (Rifkin, 2003: 17). به باور ویلسون (۱۹۹۶)، توانمندسازی اجتماعی به عنوان تحول درونی فرد تعریف می‌شود که با ایجاد اعتماد به نفس آغاز و به سرعت به احساس خودارزشمندی تبدیل می‌شود و موفقیت شخصی وی را به دنبال دارد. لی در سال (۲۰۰۱)، توانمندسازی را زمینه‌ای برای افزایش گفت‌وگوها، تفکر انتقادی و فعالیت در گروه‌های کوچک می‌داند و اشاره می‌کند که اجازه دادن به فعالیت‌هایی در جهت حرکت به سوی مبادله، تقسیم و پالایش تجربیات، تفکر، دیدن و گفتگوها، از اجزای اصلی توانمندسازی هستند (طوطیان اصفهانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۵۵). کیم (۲۰۰۴)، هدف این نوع توانمندسازی را افزایش پتانسیل شهروندان برای تغییر خود می‌داند. و به زعم آردیفودین و همکاران (۲۰۱۳)، تاکید رویکرد توانمندسازی اجتماعی بر این است که بسیاری از برنامه‌های توسعه روستایی که توسط عوامل بیرونی به اجرا گذاشته می‌شود دارای یک نقطه ضعف بزرگ است و آن این است برنامه‌های مذکور تا زمانی که از حمایت همان عوامل بیرونی برخوردار است دارای پایداری کلی است و

بسیاری از جوامع روستایی نمی‌توانند این پایداری و توسعه‌یافتگی را به دلیل پایین بودن توانمندی خود حفظ کند.

در توانمندسازی به سه رویکرد ارتباطی، انگیزشی و روان‌شناختی توجه می‌شود. در رویکرد ارتباطی، توانمندسازی فرآیندی است که از طریق آن، یک اجتماع، مجموعه، مدیر یا رهبر در سعی در تقسیم قدرت دارد. در رویکرد انگیزشی، توانمندسازی ریشه در تعاملات انگیزشی افراد دارد. هر راهبرد که به افزایش تعیین فعالیت کاری (خودتصمیم‌گیری) و کفایت نفس افراد منجر شود، توانمندی آنها را در پی خواهد داشت. (محمدی، ۱۳۸۵: ۴۵) توانمندسازی روان‌شناختی موضوعی چند وجهی است و نمی‌توان بر پایه یک مفهوم خاص به بررسی آن پرداخت. به همین جهت، توانمندسازی را به عنوان فرآیند انگیزش درونی وظایف واگذار شده به افراد، جامعه، اعضای یک نهاد و... تعریف کرده‌اند که در مجموعه‌ای از ویژگی‌های روان‌شناختی (موثر بودن، شایستگی، حق انتخاب، اعتماد و معناداری) متجلی می‌شود.

و در این ارتباط تعاون و همکاری برای انجام آسان‌تر و مطلوب مقاصد مشترک، از دیر باز در همه جوامع انسانی معمول بوده و نقش ارزنده‌ای در بهبود و توانمندسازی داشته است. و به باور برخی از صاحب‌نظران و اندیشمندان تعاونی‌های تولید روستایی نقشی در توانمندسازی همه جانبه اعضای می‌تواند بازی کند که عبارتند از:

ارتقای توسعه انسانی و ایجاد فرصت‌های مناسب برای اعضای (Hnasegawa, 2001)، تقویت ساز و کاری جهت حمایت از توانمندی اعضای و پایگاهی برای فعالیت‌های مشترک آنها، درک افراد از شغل، توانایی و بهبود تاثیرگذاری بر محیط (Anonymous, 2004). رشد شخصیتی و ارتقای توانمندی‌های فکری و تقویت مشارکت فعال کشاورزان در فعالیت‌های گروهی (Cowie, 2000: 227)، متشکل ساختن نیروهای انسانی، سازماندهی سرمایه‌های پراکنده، کمک به افزایش درآمد اعضای و کیفیت زندگی آنها و مشارکت افراد در امور (Karami and rezaei moghadam, 2006: 99). ارائه خدمات اقتصادی به اعضای، ایجاد اشتغال مولد برای غلبه بر فقر و دستیابی به یکپارچگی اجتماعی، (Babalola & Ttimiyu, 2013: 2). تغییر در دانستی‌های کشاورزان، عواطف و نحوه انجام کار (رکن الدین افتخاری، ۱۳۹۲: ۱۷۰). تغییر در روش ۲- تغییر در مسئولیت و ۳- تغییر در یادگیری (کارگر کرم بستی، ۱۳۸۲: ۱۴۵) کمک به ارتقای همبستگی و اعتماد اجتماعی و نیل به تبلور ظرفیت‌ها و توانمندی‌های اعضا (بیات،

۱۳۸۸: ۱۶۴). کسب مسئولیت جمعی در عرصه‌های جمعی به منظور دستیابی به یک وضعیت مطلوب‌تر، تاکید بر ایجاد یک راهبرد بر بسیج تمامی امکانات بالقوه و منابع و تمامی عوامل برای ایجاد شرایط زندگی بهتر کشاورزان (قرخلو و میره، ۱۳۸۶: ۱۱۶). در نهایت اثرات تعاونی‌های تولیدی در نواحی روستایی ایجاد پایگاه برای فعالیت مشترک اعضای، رشد شخصیتی و ارتقای توانمندی‌های فکری، تقویت مشارکت فعال کشاورزان در فعالیت‌های گروهی، سازماندهی سرمایه‌های پراکنده، کمک به افزایش درآمد اعضای، ایجاد اشتغال مولد برای غلبه بر فقر و دستیابی به یکپارچگی اجتماعی، کمک به ارتقای همبستگی و اعتماد اجتماعی، کسب مسئولیت جمعی در عرصه‌های جمعی به منظور دستیابی به یک وضعیت مطلوب‌تر، بهبود زندگی اجتماعی، افزایش قدرت تصمیم‌گیری روستاییان، ارتقای دانش و آگاهی، بهزیستی اجتماعی، ارتقای شاخص‌های رفاه اجتماعی، تقویت مشارکت اجتماعی و تجدید حیات اجتماعی و اقتصادی نواحی روستایی می‌باشد.

پیشینه پژوهش

بررسی منابع نشان می‌دهد که مطالعات مختلفی هم در داخل و هم در خارج کشور در رابطه با تأثیرات تعاونی‌های تولید بر کشاورزان صورت گرفته‌است ولی پژوهش‌های چندانی در زمینه تأثیر تعاونی‌های تولیدی بر توانمندسازی اجتماعی کشاورزان صورت نگرفته است که در ادامه چندی از این مطالعات ذکر گردیده است. حیدری ساربان در پژوهشی (۱۳۹۱) تحت عنوان نقش تعاونی‌های تولید روستایی در ارتقای توانمندی‌های فنی و اقتصادی کشاورزان گندم‌کار شهرستان مشگین‌شهر به این نتیجه دست یافت که بین متغیر عضویت و متغیرهای سواد، سطح دانش فنی، عملکرد، مکانیزاسیون، استفاده بهینه از بذر، کود و سم، روش و دفعات مناسب آبیاری رابطه معنی‌دار وجود دارد. نتایج پژوهش بوذرجمهری و هادی‌زاده بزاز (۱۳۹۲) تحت عنوان واکاوی و بررسی سازه‌های مؤثر در توسعه تعاونی‌های تولید روستایی خراسان رضوی بیان‌گر عملکرد ضعیف تعاونی‌ها در این استان است. به باور بارو و لی (۲۰۰۳)، بین عضویت کشاورزان در تعاونی‌های تولیدی کشاورزی با بهبود کیفیت زندگی و ارتقای شاخص‌های رفاه اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. به باور اسکریمجور و همکاران (۲۰۰۶) تشکیل تعاونی‌های تولید کشاورزی به تقویت مشارکت اجتماعی و انسجام اجتماعی منجر می‌شود. به زعم دلر (۲۰۰۹) تقویت تعاملات اجتماعی، مبادله اطلاعات و دانش، و میزان روابط افقی بر پایه همکاری از اثرات

ناخواسته عضویت کشاورزان در تعاونی‌های تولید کشاورزی می باشد. کوپمان (۲۰۰۶) فرصت‌های اجتماعی تشکیل تعاونی تولید کشاورزی را در ارتقای دانش اجتماعی، امید به آینده و رضایت‌مندی شغلی می‌داند. اسپالارد و همکاران (۲۰۰۹)، در مطالعات میدانی خود به ارتباط معنادار بین عضویت کشاورزان در تعاونی‌های تولید کشاورزی و انسجام و همبستگی درون‌گروهی، مسئولیت‌پذیری، ارتقای تبادل تجربه پنهان بین کشاورزان، و تبادل و اشتراک اطلاعات و دانش دست یافتند.

روش شناسی

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش تعاونی‌های تولید روستایی در ارتقای توانمندسازی اجتماعی کشاورزان گندم‌کار شهرستان اسلام‌آباد غرب انجام شده است که از نظر هدف کاربردی و از لحاظ ماهیت توصیفی-تحلیلی و به روش علی-مقایسه‌ای است. جامعه آماری پژوهش کشاورزان عضو تعاونی‌های تولید و کشاورزان غیر عضو ساکن در روستاهای تحت پوشش این تعاونی‌ها است که مجموع کشاورزان عضو ۱۱۳۷ نفر بودند و بر اساس فرمول کوکران حجم نمونه ۱۷۰ کشاورز عضو و ۱۷۰ کشاورز غیر عضو انتخاب گردید. برای توزیع حجم نمونه در بین ۱۱ روستای تحت پوشش از روش نمونه‌گیری احتمالی طبقه‌بندی شده استفاده گردید. جدول شماره ۱ روستاها، تعداد اعضا و حجم نمونه آنها را نشان می‌دهد. جمع‌آوری داده‌های پژوهش به شیوه‌های کتابخانه‌ای و میدانی (توزیع پرسش‌نامه و مصاحبه) صورت گرفت که پرسش‌نامه طراحی شده بر مبنای شاخص‌های توانمندسازی اجتماعی و بر اساس طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت انجام گرفت. هم‌چنین از طریق ابزار پرسش‌نامه، مولفه شاخص‌های توانمندسازی اجتماعی به کمک ۴۵ سؤال بسته‌مورد سنجش قرار گرفت و برای امتیازدهی آن از طیف پنج‌قسمتی لیکرت استفاده گردید. روایی پرسش‌نامه از نظر اساتید دانشگاه محقق اردبیلی در سطح بسیار خوب برآورد گردید و میزان پایایی آن بر اساس آلفای کرونباخ ۰/۹۱ محاسبه شد که از ضریب پایایی زیادی برخوردار است.

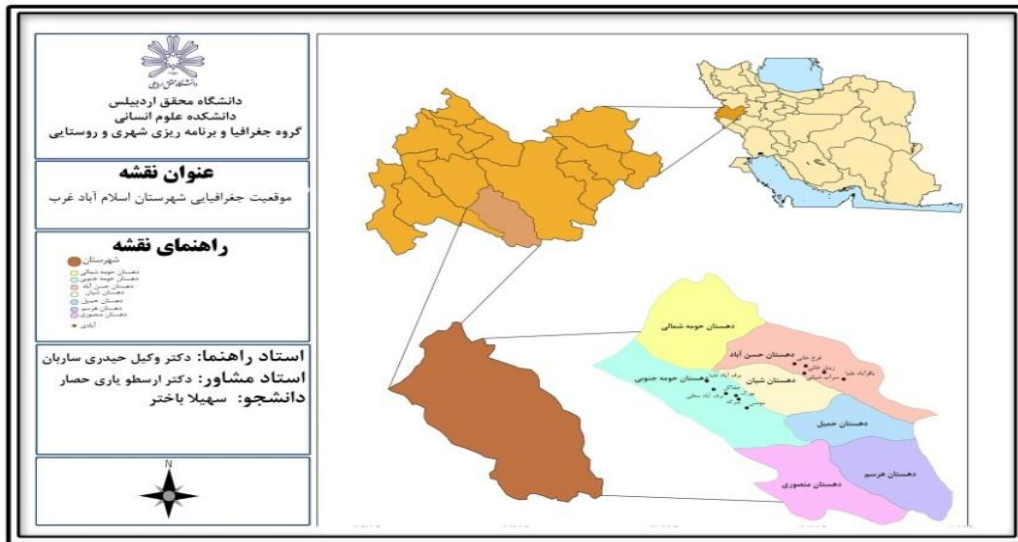
جدول ۱: جمعیت روستاها و اعضای تحت پوشش تعاونی تولید

روستا	باقرآبادسفلی	باقرآباد علیا	سراب شیان	فرخ‌خانی	زینل‌خانی	مومهای	چغاگل	بورگ	پیرگه	برف‌آباد علیا	برف‌آباد سفلی
جمعیت	۶۶۰	۵۹۶	۱۸۸	۱۹۷	۱۶۰	۱۳۲۱	۴۸۰	۲۷۰	۲۱۹	۱۶۷۱	۹۴
تولید تعداد سهام‌داران عضو تعاونی	۱۳۶	۱۸۹	۸۲	۴۰	۴۸	۲۲۱	۱۱۸	۸۷	۸۲	۸۴	۵۰
حجم نمونه	۲۰	۲۸	۱۲	۶	۷	۳۲	۱۸	۱۳	۱۲	۱۳	۸

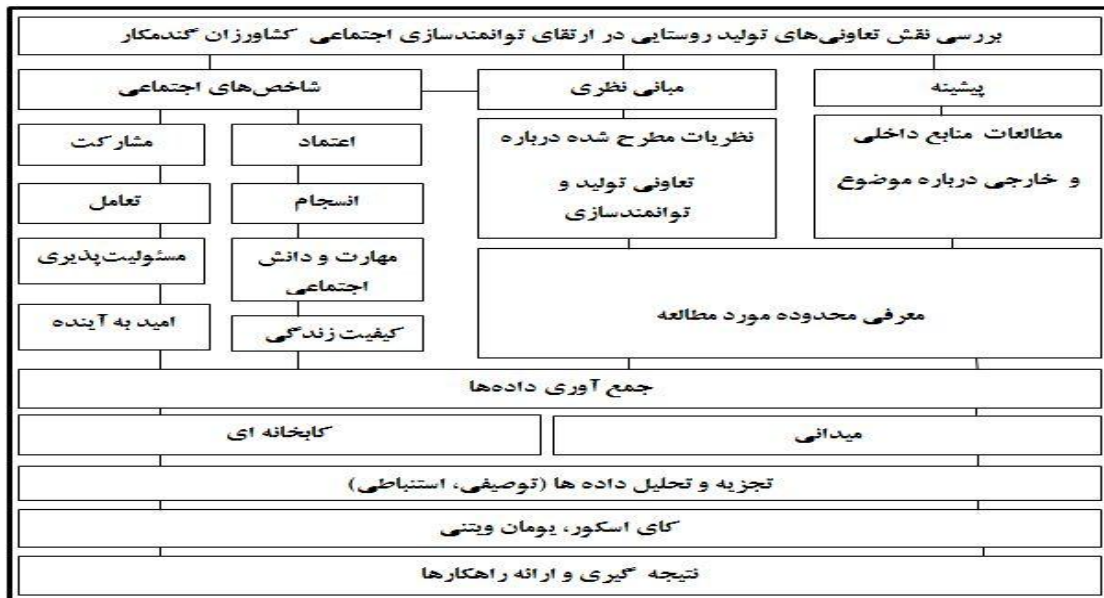
منبع: اداره تعاون شهرستان اسلام‌آباد غرب و محاسبات نگارنده‌گان

شهرستان اسلام‌آباد غرب دومین شهر استان کرمانشاه با وسعتی بالای ۲۰۰۰ کیلومتر مربع در طول جغرافیایی ۴۶ درجه و ۳۱ دقیقه و در عرض جغرافیایی ۳۴ درجه و ۶ دقیقه و ارتفاع ۱۳۳۵ متری از سطح دریا قرار دارد که ۸/۵٪ وسعت استان را به خود اختصاص داده‌است و دارای ۲ بخش، ۷ دهستان و ۱۷۳ روستا است. بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ جمعیت این شهرستان ۱۵۱۴۷۳ نفر بوده است که از این تعداد ۹۶۰۶۲ نفر شهری و ۵۵۰۶۴ نفر روستایی بودند. در نهایت مدل مفهومی، پژوهش در شکل شمار (۱) ترسیم گردیده است.

نقشه شماره ۱: منطقه مورد مطالعه



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش



یافته‌های توصیفی

همان‌گونه که جدول شماره ۲ نشان می‌دهد از کل حجم نمونه مورد بررسی در بین کشاورزان عضو ۱۵۵ نفر (۹۱/۲٪) را مردان و ۱۵ نفر (۸/۸٪) را زنان تشکیل می‌دادند، در بین کشاورزان غیر عضو ۱۴۶ نفر معادل ۸۵/۹٪ را مردان و ۲۴ نفر (۱۴/۱٪) را زنان تشکیل می‌دادند، همچنین بیش‌ترین فراوانی تحصیلات پاسخ‌گویان عضو مربوط به مقطع متوسطه با ۳۰/۶٪ و در بین کشاورزان غیر عضو نیز همین مقطع با ۲۹/۴٪ بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده بود. علاوه بر این بیش‌ترین فراوانی سنی در بین کشاورزان عضو و غیر عضو گروه بالای ۴۶ سال با ۳۵/۹٪ در بین کشاورزان غیر عضو و ۴۱/۸٪ در بین کشاورزان غیر عضو بود. افزون بر این بیش‌ترین سابقه فعالیت کشاورزی در بین اعضا بالای ۲۰ سال با ۵۵/۹٪ و کشاورزان غیر عضو نیز در همین رده سابقه با مقدار ۵۱/۸٪ قرار داشت.

جدول ۲: یافته‌های توصیفی حجم نمونه مورد مطالعه

سوال	جنسیت		تحصیلات				گروه‌های سنی				سابقه فعالیت کشاورزی				
	مرد	زن	تعداد	درصد	ابتدایی	متوسطه	دانشگاهی	۱۵ تا ۲۵ سال	۲۶ تا ۳۵ سال	۳۶ تا ۴۵ سال	۴۶ سال به بالا	۱ تا ۱۰ سال	۱۱ تا ۱۵ سال	۱۶ تا ۲۰ سال	بالای ۲۰ سال
کشاورزان	۱۵۵	۱۵	۳۶	۲۳	۳۶	۱۶	۳۶	۱۶	۳۶	۵۹	۶۱	۱۷	۲۴	۳۴	۹۵
عضو	۹۱/۲	۸/۸	۲۱/۲	۲۷/۱	۳۰/۶	۹/۴	۲۱/۲	۲۰	۳۴/۷	۳۵/۹	۳۵/۹	۱۰	۱۴/۱	۲۰	۵۵/۹
کشاورزان	۱۴۶	۲۴	۴۴	۴۴	۴۴	۲۸	۳۲	۲۸	۳۶	۳۵	۷۱	۴۲	۲۰	۲۰	۸۸
غیر عضو	۸۵/۹	۱/۱	۲۵/۹	۲۵/۹	۲۵/۹	۱/۵	۱۸/۸	۲۱/۲	۲۱/۲	۲۰/۶	۴۱/۸	۲۴/۷	۱۱/۸	۱/۸	۵۱/۸

نتایج حاصل از یافته‌های توصیفی در جدول (۳) نشان می‌دهد وضعیت اعتماد اجتماعی ۵۵/۳ درصد پاسخ‌گویان عضو در سطح زیاد و خیلی زیاد و ۱۱/۷ درصد در سطح خیلی کم و کم برآورد گردید. و وضعیت اعتماد اجتماعی ۴۴/۷ درصد پاسخ‌گویان غیر عضو در سطح زیاد و خیلی زیاد و ۲۷/۱ درصد پاسخ‌گویان در سطح خیلی کم و کم برآورد گردید. در مورد مشارکت اجتماعی ۵۴/۲ درصد پاسخ‌گویان عضو در سطح زیاد و خیلی زیاد و ۱۶/۴ درصد در سطح خیلی کم و کم برآورد گردید و وضعیت مشارکت اجتماعی ۲۸/۸ درصد پاسخ‌گویان غیر عضو در سطح زیاد و خیلی زیاد و ۳۷/۶ درصد پاسخ‌گویان در سطح خیلی کم و کم برآورد گردید. در

بررسی نقش تعاونی‌های تولید روستایی در توانمندسازی اجتماعی..... ۱۰۷

مورد انسجام اجتماعی پاسخ‌گویان عضو بیشترین فراوانی با (۳۷/۱) در سطح متوسط و کمترین فراوانی با (۸/۸) در سطح خیلی زیاد برآورد گردید. و در مورد وضعیت انسجام اجتماعی پاسخ‌گویان غیر عضو بیشترین فراوانی با (۳۴/۷) در سطح متوسط و کم‌ترین فراوانی با (۲/۹) در سطح خیلی زیاد برآورد گردید. در مورد تعامل اجتماعی پاسخ‌گویان عضو بیشترین فراوانی با (۴۱/۲) در سطح متوسط و کم‌ترین فراوانی با (۶/۵) در سطح خیلی کم برآورد گردید و در مورد وضعیت تعامل اجتماعی پاسخ‌گویان غیر عضو بیشترین فراوانی با (۵۰/۶) در سطح متوسط و کم‌ترین فراوانی با (۴/۱) در سطح خیلی زیاد برآورد گردید. در مورد مسئولیت‌پذیری پاسخ‌گویان عضو بیشترین فراوانی با (۴۳/۵) در سطح متوسط و کم‌ترین فراوانی با (۷/۶) در سطح خیلی کم برآورد گردید و در مورد وضعیت مسئولیت‌پذیری پاسخ‌گویان غیر عضو بیشترین فراوانی با (۴۴/۷) در سطح متوسط و کم‌ترین فراوانی با (۵/۳) در سطح خیلی زیاد برآورد گردید. در مورد دانش و مهارت اجتماعی پاسخ‌گویان عضو بیشترین فراوانی با (۳۷/۱) در سطح متوسط و کمترین فراوانی با (۱۰/۶) در سطح خیلی کم برآورد گردید و در مورد وضعیت دانش و مهارت اجتماعی پاسخ‌گویان غیر عضو بیشترین فراوانی با (۳۴/۷) در سطح متوسط و کمترین فراوانی با (۴/۱) در سطح خیلی زیاد برآورد گردید. در مورد کیفیت زندگی پاسخ‌گویان عضو بیشترین فراوانی با (۴۱/۸) در سطح متوسط و کم‌ترین فراوانی با (۶/۵) در سطح خیلی کم برآورد گردید و در مورد کیفیت زندگی پاسخ‌گویان غیر عضو بیشترین فراوانی با (۳۱/۸) در سطح کم و کم‌ترین فراوانی با (۷/۶) در سطح خیلی زیاد برآورد گردید. در مورد امید به آینده پاسخ‌گویان عضو بیشترین فراوانی با (۳۲/۴) در سطح متوسط و کم‌ترین فراوانی با (۷/۱) در سطح خیلی کم برآورد گردید و در مورد وضعیت امید به آینده پاسخ‌گویان غیر عضو بیشترین فراوانی با (۳۰/۶) در سطح خیلی کم و کمترین فراوانی با (۵/۳) در سطح خیلی زیاد برآورد گردید.

با توجه به میانگین‌های به‌دست‌آمده از دو گروه عضو و غیر عضو می‌توان بیان کرد در تمام موارد توانمندسازی اجتماعی، کشاورزان عضو میانگین بیشتری نسبت به کشاورزان غیر عضو داشته‌اند، به‌گونه‌ای که در زمینه‌ی شاخص اعتماد اجتماعی کشاورزان عضو (۲۰۰/۵۶) و کشاورزان غیر عضو (۱۴۰/۳۵)، شاخص مشارکت اجتماعی کشاورزان عضو (۲۰۱/۸۶) و کشاورزان غیر عضو (۱۳۹/۱۴)، انسجام اجتماعی نیز در بین کشاورزان عضو (۱۹۴/۷۷) و کشاورزان غیر عضو (۱۴۶/۲۳)، تعامل اجتماعی در بین کشاورزان عضو (۱۹۸/۱۹) و غیر عضو (۱۴۲/۸۱)، مسئولیت-پذیری در بین کشاورزان عضو دارای میانگین (۱۹۹/۷۱) و کشاورزان غیر عضو (۱۴۱/۲۹)، مهارت و دانش اجتماعی در بین کشاورزان عضو (۱۹۹/۲۰) و غیر عضو (۱۴۱/۸۰)، کیفیت زندگی در بین کشاورزان عضو (۲۰۰/۵۱) و کشاورزان غیر عضو (۱۴۰/۴۹) و شاخص امید به آینده در بین کشاورزان عضو (۱۹۷/۶۵) و در بین کشاورزان غیر عضو دارای میانگین (۱۴۳/۳۵) برآورد گردید. بر اساس مشاهدات مقدار p-value در تمام شاخص‌های توانمندسازی اجتماعی برابر با ۰/۰۰۰ و ارزیابی گردید و می‌توان گفت بین عضویت در تعاونی تولید و توانمندسازی اجتماعی رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد.

آزمون کای اسکور: یکی دیگر از آزمون‌های مورد استفاده در این پژوهش آزمون خی دو یا کای اسکور است که جدول شماره ۵ نتایج آن را نشان می‌دهد:

جدول ۵: آزمون کای اسکور بر اساس شاخص‌های توانمندسازی اجتماعی

شاخص	اعتماد اجتماعی	مشارکت اجتماعی	انسجام اجتماعی	تعامل اجتماعی	مسئولیت-پذیری	دانش اجتماعی	کیفیت زندگی	امید به آینده
مقدار کای اسکور	۴۴/۶۱۴	۵۶/۱۲	۳۵/۱۴۸	۳۶/۶۶۹	۵۳/۴۷	۴۳/۳۹۹	۵۱/۶۵۹	۳۸/۳۶۵
درجه آزادی	۱۶	۲۴	۱۶	۱۶	۱۹	۲۳	۲۲	۱۶
سطح معنی‌داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۴	۰/۰۰۹	۰/۰۰۰	۰/۰۰۶	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱

با توجه نتایج مندرج در جدول (۵) بین عضویت در تعاونی تولید و اعتماد اجتماعی با مقدار (۴۴/۶۱۴) و سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰، مشارکت اجتماعی با (۵۶/۱۲) و سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰، انسجام اجتماعی با (۳۵/۱۴۸) و سطح معناداری ۰/۰۰۴، تعامل اجتماعی با (۳۶/۶۶۹) و سطح معناداری ۰/۰۰۹، مسئولیت‌پذیری اجتماعی با (۵۳/۴۷) و سطح معناداری ۰/۰۰۰، دانش اجتماعی با (۴۳/۳۹۹) و سطح معناداری آن ۰/۰۰۶، کیفیت زندگی نیز با (۵۱/۶۵۹) و سطح معناداری ۰/۰۰۰

و امید به آینده با (۳۸/۳۶۵) و سطح معناداری ۰/۰۰۱ با توجه به اینکه مقدار $p\text{-value} = ۰/۰۵$ در نظر گرفته شده است با توجه به اینکه سطح معنی‌داری تمام شاخص‌ها از این مقدار کمتر است می‌توان اظهار داشت بین عضویت در تعاونی تولید با شاخص‌های توانمندسازی اجتماعی رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد.

نتیجه‌گیری و ارائه راهکارها

پژوهش حاضر به بررسی اثرات تعاونی‌های تولید روستایی در ارتقای توانمندسازی اجتماعی کشاورزان گندمکار پرداخته است.

همان‌گونه که نتایج یافته‌های استنباطی پژوهش نشان می‌دهد بر اساس نتایج حاصل از دو آزمون یومان‌وینتی و کای‌اسکور (جدول شماره ۴ و ۵) می‌توان گفت تعاونی‌های تولید بیشترین تأثیر را بر مشارکت اجتماعی کشاورزان داشته‌اند به گونه‌ای که مقدار آن بر اساس آزمون یومان‌وینتی در بین کشاورزان عضو ۲۰۱/۸۷ و آزمون کای‌اسکور دارای مقدار ۵۶/۱۲ بوده است و کم‌ترین تأثیر آن بر میزان انسجام اجتماعی برآورد گردید که میزان آن بر اساس آزمون یومان‌وینتی در بین کشاورزان عضو ۱۹۴/۷۷ و بر اساس آزمون کای‌اسکور نیز ۳۵/۱۴۸ بوده است. تحلیل‌های آماری نشان داد تعاونی‌های تولید در ارتقای توانمندسازی اجتماعی اعضا تأثیرگذار بوده است و همه شاخص‌های در نظر گرفته شده در قالب فرضیه پژوهش به اثبات رسیده است و در این ارتباط میزان p محاسبه شده بر اساس آزمون یومان‌وینتی ۰/۰۰۰ و بر اساس آزمون کای‌اسکور ۰/۰۰۴ کمتر از سطح معنی‌داری پیش‌بینی شده است و بین کشاورزان عضو و غیر عضو از لحاظ شاخص‌های اعتماد، مشارکت، انسجام، تعامل، مسئولیت‌پذیری، مهارت و دانش اجتماعی، کیفیت زندگی و امید به آینده اختلاف معنی‌دار وجود دارد. نتایج یافته‌های این پژوهش با یافته‌های کروز، هندفیلد و بورلی^۱ (۲۰۰۶) و سانو^۲ (۲۰۰۸) مطابقت دارد.

با توجه به نتایج بدست آمده و افزایش توانمندی‌های اجتماعی کشاورزان عضو تعاونی‌های تولید شهرستان اسلام آباد غرب پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

با توجه به نتایج حاصل از آزمون‌های به کار گرفته شده متغیر انسجام اجتماعی دارای میانگین کمتری نسبت به سایر متغیرها بود لذا برای بهبود این وضعیت پیشنهاد می‌گردد تعاونی‌های تولید

^۱ -Krause, handfield and berely

^۲ - sano

زمینه را فراهم کنند تا کشاورزان از دیدگاه‌ها و شیوه‌های پراکنده و انفرادی انجام امور به سمت و سوی شیوه‌های نوین و گروهی گام بردارند و آنان را به فعالیت‌های مشارکتی تشویق نمایند و همدلی و تفاهم را میان آنها تقویت کنند.

پیشنهاد می‌گردد مسئولان شرکت‌های تعاونی با اختصاص زمان و صرف وقت و برگزاری جلسات بیشتر، از نیازها و مشکلات اعضای آگاهی یابند که علاوه بر آن میزان ارتباط مردم با نهادها و سازمان‌ها افزایش یابد.

تعاونی‌های تولید با فراهم کردن شرایط و ایجاد دوره‌های آموزشی برای اعضا آنان را برای کسب مهارت‌ها و شیوه‌ها و استفاده از وسایل و ادوات نوین و استفاده بهینه از منابع آماده سازند. از آنجایی که حدود نیمی از اعضای تعاونی را افراد بی‌سواد و کم‌سواد تشکیل می‌داند، مسئولان تعاونی‌ها می‌توانند با استفاده از نمایش فیلم آنان را با حیطه کاری خود آشنا سازند. با توجه به اینکه اکثریت غالب اعضای تعاونی تولید را مردان تشکیل می‌داند و بیشتر آنان مالک زمین بودند لذا پیشنهاد می‌گردد زمینه برای نقش‌آفرینی زنان در تعاونی‌های تولید روستایی فراهم گردد.

منابع

۱. بیات، ا. (۱۳۸۸)، تعاونی‌ها و اقتصاد اجتماعی، فصلنامه تعاون، ۲۰ (۲۰۶ و ۲۰۷): ۱۳۴-۱۶۷.
۲. بوذرجمهری، خ. هادیزاره بزاز، م. (۱۳۹۲)، واکاوی و بررسی سازه‌های مؤثر در توسعه تعاونی‌های تولید روستایی استان خراسان رضوی از نظر کارشناسان، فصلنامه جغرافیا و آمایش شهری- منطقه‌ای، (۸): ۸۵-۱۰۰.
۳. پاریاب، ج. زمانی میاندشتی، ن. پزشکی راد، غ. جمالی، ح. (۱۳۹۳)، نقش تعاونی‌های تولیدی در توانمندسازی زنان روستایی استان فارس مطالعه موردی تعاونی روستایی زنان همایجان سپیدان، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، (۱): ۴۵-۷۰.
۴. جهاد کشاورزی، سازمان مرکزی تعاون روستایی، ۱۳۹۰.
۵. حیدری ساریان، و. (۱۳۹۱)، نقش تعاونی‌های تولید روستایی در ارتقای توانمندی‌های فنی و اقتصادی کشاورزان گندم‌کار، مطالعه موردی: گندمکاران شهرستان مشکین‌شهر، فصلنامه روستا و توسعه، ۱۵ (۱): ۱۰۹-۱۳۴.
۶. حیدری ساریان، و. (۱۳۹۲)، بررسی عوامل مؤثر بر توانمندسازی کشاورزان در مناطق روستایی شهرستان اهر، فصلنامه فضای جغرافیایی، ۱۳ (۴۱): ۱۵۰-۱۷۰.
۷. صمدی ع، و سوری، م (۱۳۸۹)، تاثیر توانمندسازی نیروی انسانی در عملکرد کارکنان اداره کل تعاون و استان همدان، فصلنامه تعاون، دوره جدید، شماره ۱، صص ۱۴۶.

۱۱۲ پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال دهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۵

۸. ع، بیژن (۱۳۸۳)، توانمندسازی روانشناختی کارکنان، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۳۶، صص ۴۰.
۹. گراوند، ا، نورایی، م، ساعی، ا (۱۳۸۹)، تاثیر آمیخته بازار یابی و تصمیم خرید و میزان رضایت مشتریان شرکت های تعاونی تولیدی شهرستان کوه‌دشت، فصلنامه تعاون، سال بیست و یکم، شماره ۳، ص ۱.
۱۰. فرخلو، م. میره، م. (۱۳۸۶)، توانمندسازی اجتماع راه حلی برای حاشیه‌نشینی، فصلنامه علوم اجتماعی، (۲) ۳: ۱۱۱-۱۲۶.
۱۱. طوطیان اصفهانی، صدیقه، صادقی، ابوالقاسم و حمید ابوطالبی (۱۳۹۴)، بررسی رابطه بین عوامل فرهنگی، ساختار سازمانی و توانمندسازی کارکنان، پژوهش‌های جامعه‌شناختی، جلد ۹، شماره اول، صص ۱۶۱-۱۵۱.
۱۲. قیصری، ح. شاه ولی، م. رضایی مقدم، ک. (۱۳۹۱)، بررسی توانمندی روانشناختی اعضای تعاونی‌های تولید روستایی استان فارس، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، (۱) ۲: ۱-۲۰.
۱۳. کارگر کرم بستی، ا. (۱۳۸۲)، بررسی مفهوم، دیدگاه‌ها و مدل‌های توانمندسازی، فصلنامه مصباح، (۱۲) ۴۷: ۱۳۱-۱۵۹.
۱۴. میکائیلی، ج. جابری، ا. (۱۳۹۲)، بررسی اثرات تعاونی‌های تولید کشاورزی بر وضعیت اجتماعی خانوارهای عضو (مطالعه موردی: شهرستان خوسف)، فصلنامه اجتماعی فرهنگی خراسان، ۷ (۲۷): ۱۲۳-۱۳۹.
15. Akmaliah, L. bagheri, A. Abdullah sani, H. (2013), Knowledge of cognition and entrepreneurial intentions: Implications for learning entrepreneurship in public and private universities. *Social and Behavioral Sciences*, 97: 174- 181.
16. Anonymous. (2004), Farmer Empowerment: Experience. Lessons Learned and way forward, Case Presentation at Neuchatel Initiative Annual Meeting, Farmer Empowerment experiences lessons learned and ways.
17. Babalola, A. tiymiyu, R. (2013), cooperative enterprises: a panacea to job creation and economic empowerment. *information and knowledge management*, 5(3): 60-63.
18. Bravo. U. and Lee, T. (2003), Socioeconomic and technical characteristics of new England dairy cooperative members and non-members. *Journal of Agriculture cooperation*, (3):12-28.
19. Cowie, H. (2000), Cooperatives Group Work: A Perspective from the Uk. *Department of psychology and Counseling*, Roe Hampton Institute London, West Hill, 23(3): 227- 238.
20. Deller, S. hoyt, A. hueth, B. stukel, R. (2009), *bresearch on the economic impact of cooperatives*. University of Wisconsin Center for Cooperatives. University of Wisconsin
21. Espallardo, M. Lario, N. Tantius, P. (2009), farmers satisfaction and intention to continue as members of agricultural marketing cooperatives: a test of the neoclassical and transaction costs theories. *Paper prepared for presentation at the 113th EAAE seminar "a resilient European food industry and food chain in a challenging world"*, chaina, creece, date as in: September 6(3):1-11

22. Eylon, D. and Bamberger, P. (2000), Empowerment Cognitions and Empowerment Acts, Recognizing the Importance of Gender. *Group & Organization Management*, 25(4): 354-372.
23. Hasegawa, S. (2001), Development Cooperation. UNU GLOBAL SEMINAR Kanazawa.
24. Karami, A., RezaeiMoghaddam, K. (2006), Effects of agricultural production cooperatives in the development process. *Agricultural and Development Economics*, Special Issue of productivity and performance, 63(55): 50-99.
25. Koopmans, R. (2006), farmer controlled economic initiatives, starting a cooperative, Translation: Catharina de Kat-Reynen, Digigrafi, Wageningen, the Netherlands.
26. Krause, D. Handfield, R. Beverly, B. (2006), The relationships between supplier development, commitment, social capital accumulation and performance improvement. *Journal of Operations Management*, 25(14): 528-545.
27. Rifkin, s.(2003), A Framework Linking Community Empowerment and Health Equity: It Is Matter of CHOICE. *Journal of Health Population Nutrition*, 21(3): 168-180.
28. Sano, Y. (2008), The role of social capital in a common property resource system in coastal areas: A case study of community-based coastal resource management in Fiji. *Management and Knowledge Information Bulletin*, no24: 19-32.
29. Scrimgeour, F. Dermott, A. Saunders, C. Shadbolt, N. Sheath, G. (2006). New Zealand Agribusiness Success: An Approach to exploring the role of strategy, structure and conduct on firm performance. *Paper Presented at to New Zealand Agricultural and Resource Economics Society, Conference: 25-27.*
30. Spritzer, M. (1995), Psychological empowerment in work place, dimensions, measurement and validation, *The Academy Management Journal*. (38) 5: 1442-1465.
31. World Bank. (2002), Empowerment and Poverty Reduction. *Critical elements Of empowerment*, [online], <http://siteresources.worldbank.org>.
32. Zhu, W. sosik, J. riggio, R. yang, B. (2012), Relationships between Transformational and Active Transactional Leadership and Followers' Organizational Identification: The Role of Psychological Empowerment, Institute of Behavioral and Applied Management *The Pennsylvania State University*.
33. Block, P. (2004), the empowered manger: positive political skill at work, Sanfrancisco: Jossey Bass, p65.

۱۱۴ پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال دهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۵